

## زندگی در دنیای رسانه؛

### کنکاشی مبتنی بر روش فراتحلیل بر تعامل شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی

مطهره گواشیریانی<sup>۱</sup>، افسانه مظفری<sup>۲</sup>، سیدعلی رحمان‌زاده<sup>۳</sup>، علی اکبر فرهنگی<sup>۴</sup>، نوروز هاشم‌زهی<sup>۵</sup>  
تاریخ دریافت: ۰۲/۱۲/۲۸، تاریخ تایید: ۰۳/۲/۹

DOI: ۱۰,۲۲۰۳۴/jcsc.۲۰۲۴,۲۰۲۲۴۶۹,۲۷۲۵

### چکیده

پیرامون ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی مطالعاتی مختلفی صورت گرفته است و نظرات و یافته‌های متفاوت و متناقضی ارائه شده است، به نحوی که برخی تعاملات اجتماعی آنلاین را منشأ بهبود کیفیت زندگی دانسته و در مقابل برخی مطالعات فرض نموده‌اند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، منجر به افزایش انزوای اجتماعی، تنبلی‌های جسمانی، کم تحرکی و ... می‌شود و از این طریق به کاهش کیفیت زندگی در دنیای واقعی منجر می‌شود. فلذا نیاز به ارزیابی و تحلیل کلی از طریق بررسی مجموعه‌ای از پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه احساس می‌شود. لذا هدف پژوهش حاضر فراتحلیل پژوهش‌های انجام شده در زمینه رابطه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی، جهت برآورد اندازه اثر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کیفیت زندگی می‌باشد. در واقع سوال اصلی پژوهش حاضر این است که در مجموع مطالعات انجام شده در ایران، کیفیت زندگی تا چه حد متأثر از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌باشد. لازم به ذکر است جامعه آماری پژوهش را تمام پژوهش‌های انجام شده تا پایان سال ۱۴۰۲ در زمینه موضوع مورد مطالعه تشکیل دادند. از طریق نمونه‌گیری هدفمند ۱۱ پژوهشی که دارای ویژگی‌های مناسب برای ورود به فراتحلیل بودند، انتخاب شدند. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، از ویرایش دوم نرم‌افزار جامع فراتحلیل (CMA) استفاده شده است و با توجه به ناهمگونی بین مطالعات انجام شده از مدل اثرات تصادفی برای ترکیب نتایج و رسیدن به اندازه اثر استفاده شد. اندازه اثر برآورد شده در نمونه‌های مورد پژوهش ۰,۲۱۰- می‌باشد که بر اساس نظام تفسیر کوهن در محدوده اطمینان در سطح متوسط رو به پائین می‌باشد. با توجه به ناهمگونی مطالعات متغیر سال به عنوان متغیر تعدیل‌کننده انتخاب شد که نتایج حاصل از بررسی آن نشان داد که به موازات گذر زمان تأثیر معکوس شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کیفیت زندگی بیشتر می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** شبکه‌های اجتماعی، کیفیت زندگی، فراتحلیل، اندازه اثر.

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (m\_gavashiriany@yahoo.com)

۲. دانشیار و عضو هیات علمی گروه علوم ارتباطات و دانش‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

dr.afsaneh.mozaffari@gmail.com

۳. دانشیار و عضو هیات علمی گروه ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (S.A.Rahmanzadeh@iauet.ac.ir)

۴. استاد و عضو هیات علمی گروه مدیریت دانشگاه تهران (dr\_aafarhangi@yahoo.com)

۵. استادیار و عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی و ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق (n.hashemzahi@iauet.ac.ir)

## مقدمه

تحولات اخیر، زیست‌جهان ما را دگرگون کرده است، لذا حتماً لازم است درکی از ظهور این جهان جدید وجود داشته باشد وگرنه کنش‌های انسانی درست نخواهد بود. با تحولاتی که در عرصه رسانه‌های ارتباطی شکل گرفته است، بشر وارد دومین انقلاب صنعتی شده است. با انقلاب صنعتی دوم، یعنی با انقلابی که در حوزه تکنولوژی‌های جدید رسانه‌ای صورت گرفته است، جهان و انسان جدیدی پا به عرصه گذاشته است، به این معنا که شاهد ظهور انسان جدیدی هستیم که می‌توان آن را انسان آنالاین نامید که برای وی، کنش و کنشگری معنای جدیدی پیدا کرده است، همچنین شاهد ظهور جهانی هستیم که می‌توان آن را جهان رسانه‌ای شده نامید، به این معنا که رسانه، جهان و حوادث پیرامون را برای بشر تعریف و مشخص می‌کند و بشر جهان پیرامونش را بواسطه رسانه‌ها می‌شناسد (سخائی، ۱۳۹۷). در واقع یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فناوری جدید ارتباطی و اطلاعاتی یعنی ظهور ارتباطات مجازی و شبکه‌ای به ارتباطات معنایی تازه بخشیده و موجب تحول در ارتباطات اجتماعی انسانها شده است. به همین خاطر با ظهور و فراگیر شدن فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی، شاهد نقطه نظرات متنوع و متکثری در مورد تأثیر رسانه‌های اجتماعی جدید و به خصوص شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده کاربران در محافل آکادمیک و اجتماعی هستیم. تا قبل از پیدایش فناوری‌های نوین ارتباطی به ویژه اینترنت حضور فیزیکی، وجه ممیزه تعامل محسوب می‌شد، رابطه به طور ضمنی حکایت از ارتباطی بین شخصی داشت که با وجود دوری فیزیکی می‌شد آن را حفظ کرد. اما اکنون ارتباط به عنوان شکلی از تعامل، محدودیت‌های زمانی و مکانی را در می‌نوردد. بدین ترتیب با پیدایش و همه‌گیر شدن رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی، شاهد تأثیرات عمیقی بر ابعاد مختلف حیات اجتماعی می‌باشیم، به مانند همان تأثیراتی که رسانه‌های توده‌ای مانند تلویزیون و رادیو در بدو همه‌گیر شدن آن بر جامعه داشتند (کردی، ۱۳۹۴).

اینترنت و فضای مجازی به مثابه شبکه ارتباطاتی در مقیاسی جهانی، دارای قابلیت عظیمی برای افزایش تنوع اطلاعات و سرگرمی‌های در دسترس افراد و سازمان‌های سراسر جهان است. این وسایل همچنین موانع ورود به فضاهای دیگر را کاهش می‌دهد و امکان دسترسی به تمام کسانی را که مایل‌اند در این محیط شرکت کنند را فراهم می‌کند و در میان گویندگان یک برابری نسبی ایجاد می‌کند. برای مثال هر شخصی که به اینترنت دسترسی دارد، می‌تواند در حالت‌های ارتباطی مختلفی که در محیط آن لاین وجود دارد، شرکت کند و دیدگاه و نظراتش را در قالب متن، تصویر یا صوت بیان کند و نیز می‌تواند به حجم گسترده‌ای از اطلاعات که از طرف دیگر اشخاص ارائه شده دسترسی داشته باشد، بنابراین اینترنت قابلیت عظیمی برای ایجاد یک جامعه پویا دارد (عبدللهی، ۱۳۹۹). انتقال زندگی انسان‌ها به فضای سایبر و مجازی شدن روابط انسانی به عامل اصلی تغییر الگوهای فکری و رفتار بخش عظیمی از انسانها تبدیل شده است. امروزه شبکه‌های اجتماعی جایگاه بسیار مهمی در بین افراد و جوامع پیدا کرده است. برخی از پژوهشگران، شبکه‌های اجتماعی مجازی را عاملی مهم در تحولات و تغییرات اجتماعی عصر کنونی می‌دانند که کاربران با حضور در این شبکه‌ها صورتی جدید از تعاملات اجتماعی را به وجود می‌آورند (گوزلی و جعفری، ۱۳۹۸).

در حقیقت باید گفت، شبکه‌های اجتماعی نقش پر رنگی در دنیای امروز دارند و نمی‌توان آنرا نادیده گرفت، لذا بر همین مبنا می‌توان گفت که یکی از جنبه‌های زندگی امروزی که متأثر از شبکه‌های اجتماعی می‌باشد، کیفیت زندگی می‌باشد. با گذشت زمان و پیشرفت تکنولوژی و بالا رفتن معلومات و تحصیلات اجتماعی و همچنین مباحث مربوط به اصالت فرد و بالا رفتن سطح توقعات و خواسته‌های فردی و اجتماعی، شاهد این هستیم که بشر به دنبال تأمین حداکثر آسایش و آرامش در زندگی خود از طریق بالا بردن کیفیت زندگی می‌باشد. (دوله و همکاران، ۱۳۹۵). کیفیت زندگی از نظر لغوی به معنای چگونگی وضعیت زندگی است و در برگیرنده تفاوت‌هایی است که برای هر انسانی منحصر بفرد بوده و با سایر افراد متفاوت است.

کیفیت زندگی از نظر سازمان بهداشت جهانی عبارت است از؛ درک افراد از موقعیت خود در زندگی از نظر فرهنگ، سیستم ارزشی که در آن زندگی می‌کنند، اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویتهایشان می‌باشد، لذا این مقوله کاملاً فردی محسوب می‌شود (شربتیان، ۱۳۹۴: ۷۲)

شایان ذکر است پیرامون تعامل شبکه‌های اجتماعی مجازی و موضوعاتی نظیر کیفیت زندگی دو دیدگاه متفاوت وجود دارد، در واقع در برخی از تحقیقات انجام شده شاهد یک گفتمان خوش بینانه هستیم به نحوی که حضور در فضای مجازی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی را عامل تقویت کننده کیفیت زندگی ارزیابی کرده‌اند، اما در مقابل، گفتمان بدبینانه نیز وجود دارد که حاصل مطالعات این دیدگاه تحصیل این نتیجه است که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی از طریق انزوای کاهش تعاملات اجتماعی، تنبلی‌های جسمانی، کم تحرکی و ... منجر به کاهش کیفیت زندگی شده است (زمانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۰۴). لذا با پیرو شرایط فوق الذکر و با توجه به اینکه از یک سو می‌توان با مراجعه به پیشینه مطالعاتی موجود به این نتیجه رسید که پژوهش‌ها و مطالعات زیادی پیرامون ارتباط شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی در جوامع پژوهشی مختلف و متنوعی انجام شده است و از سوی دیگر سو بررسی سوابق مطالعاتی حاکی از این است که مطالعات اندکی با استفاده از روش فراتحلیل پیرامون تعامل این دو مفهوم انجام شده است، لذا لزوم انجام یک پژوهش فراتحلیل در این زمینه را برای دستیابی به تصویری جامع‌تر از ارتباط این دو متغیر را ایجاب کرده است، از این رو پژوهش حاضر می‌کوشد با رویکرد فراتحلیل ارتباط شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی را مورد بررسی قرار دهد. لازم به ذکر است که وقتی پژوهش‌های زیاد و پراکنده در زمینه موضوع‌های مختلف وجود داشته باشد و تناقضات در نتایج آن‌ها مشهود باشد، با انجام تحقیق در این زمینه به روش فراتحلیل می‌توان به نتایج جامع و جدیدی در آن موضوع دست یافت. تردیدی نیست که ترکیب نتایج و استفاده از پژوهش‌های صورت یافته پیشین به عنوان واحد تحلیل برای کسب تصویری کلی و شفاف از یک موضوع پژوهشی، به مراتب مؤثرتر و مفیدتر از تعریف پژوهشی جدید است، زمانی که نتایج پراکنده چندین طرح مطالعاتی به یکدیگر مرتبط می‌گردند، شبکه دائمی دانش به جریان می‌افتد و نتایج و راهکارها با اتصال به یکدیگر می‌توانند در ابعاد متفاوت به حل یک مسئله منجر گردند. لذا در مجموع می‌توان گفت مطالعات و پژوهش‌های فراتحلیل محور، امکان درک نقایص و کاستی‌های حوزه پژوهش و ارائه چشم‌اندازی جامع‌تر از یافته‌های علمی در قالب مفاهیم و اندازه‌های آماری را فراهم می‌سازند، لذا هدف اصلی این پژوهش، ترکیب و مقایسه نتایج و یافته‌های آماری پژوهش‌های انجام شده در زمینه شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی به روش فراتحلیل می‌باشد. قابل ذکر است، مهم‌ترین سؤالات این پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

- عمده‌ترین تحقیقات انجام شده در ایران در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی کدامند؟
- همگنی یا ناهمگنی مطالعات صورت گرفته به چه صورت است؟
- در مجموع مطالعات مورد بررسی، آیا شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی تأثیر معناداری دارد؟
- شدت و جهت تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کیفیت زندگی به چه صورت می‌باشد؟

## مبانی نظری

در این بخش ابتدا سعی شده است به بررسی فضای مفهومی دو متغیر اصلی پژوهش (شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی) پرداخته شود و در ادامه به بررسی مهمترین رویکردهای نظری پیرامون تعامل این دو مفهوم پرداخته شده است.

## شبکه‌های اجتماعی

ریشه کلمه شبکه اجتماعی به زمانی بر می‌گردد که انسانها به شکل گروه‌های کوچک زندگی که انسانها به شکل گروه‌های کوچک زندگی می‌کردند. این مفهوم برای نخستین بار در سال ۱۹۴۰ توسط رادکلیف براون مطرح شد (نیازی و همکاران، ۱۴۰۲). در متون پژوهشی، تعاریف متعددی از شبکه‌های اجتماعی مجازی شده است. در نگاه جامعه‌شناختی-ارتباطی، این شبکه‌ها محتوا و روابطی هستند که در نتیجه تعاملات اجتماعی کاربران در بستر فناوری‌های دسترس‌پذیر مبتنی بر وب ایجاد شده‌اند. بنابراین یک شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند، یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آنها به اشتراک بگذارند و از میان توصیفات عمومی دیگر افراد برای یافتن اتصالات جدید استفاده کنند (حمایت‌خواه، ۱۴۰۰)

در سالیان اخیر، رشد و همه‌گیر شدن اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و تأثیرات آن‌ها در زندگی افراد، توجه برخی اندیشمندان را به خود جلب نموده است، به‌طوری که بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده هستند که ترکیب و همگرایی فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تجدید ساختار نظام سرمایه‌داری در دهه‌های اخیر ما را وارد عصر تازه‌ای کرده است. دانیل بل<sup>۱</sup> این عصر جدید را جامعه پسا صنعتی<sup>۲</sup>، ایمانوئل کاستلز<sup>۳</sup> آن را جامعه شبکه‌ای<sup>۴</sup> و تادا اومه سائو<sup>۵</sup> آن را جامعه اطلاعاتی<sup>۶</sup> نامیده است. در این عصر جدید، دانش ارتباطات تحولات شگرفی در عرصه روابط اجتماعی ایجاد کرده است و این تحولات باعث شده از یک طرف پدیده فشردگی و کوچک شدن جهان یا همان دهکده جهانی و از طرف دیگر شکل‌گیری جامعه مجازی تحقق یابد (شکوری و رفعت‌جاه، ۱۳۸۷: ۲). بدون تردید، گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی یا صنعت جهانی ارتباطات، مهم‌ترین عامل ایجاد این پدیده‌ها است که با قدرتی اعجاب‌انگیز زمان و مکان را در عرصه‌های گوناگون زندگی فراروی روی انسان قرار داده است و چارچوب‌های موجود را دچار تحولات مفهومی و شکلی فراوانی کرده است (رسول‌زاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۵ و ۳۶). در این میان نقش شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی دسترس‌پذیر از طریق تلفن همراه با امکانات و فرصت‌های متنوعی که به انسان عرضه می‌کنند، بیشتر شده است. به بیانی دیگر، می‌توان گفت که رسانه‌های جدید اطلاعاتی و در رأس آن‌ها اینترنت

---

۱ . Daniel Bell

۲ . Post-industrial society

۳ . Manuel Castells

۴ . Network society

۵ . Tada umesao

۶ . Information society

به نوسازی روندهای اجتماعی دامن زده و تمام جنبه‌های زندگی مردم را تحت‌تأثیر قرار داده است (جهانگرد، ۱۳۹۱: ۳).

شبکه‌های اجتماعی به خاطر قدرت آنها در شکل‌گیری ارتباطات سریع هم‌زمان و ناهم‌زمان و دسترس‌پذیر کردن حجم انبوهی از اطلاعات، نفوذ گسترده‌ای در زندگی و زیست جهان‌های کاربران خود پیدا کردند و امروزه ابعاد این تأثیرگذاری وسعتی جهان‌شمول یافته است، به نحوی که از هر ده کاربر فضای مجازی در جهان، شش نفر از شبکه‌های اجتماعی بازدید می‌کنند و میانگین زمان صرف شده برای این قبیل کاربری‌ها به‌ویژه برای نوجوانان ایرانی، حدود ۵۲ دقیقه در هفته ثبت شده است. این قبیل شبکه‌های اجتماعی، علاوه بر جذابیت‌ها، تنوع و سرگرمی‌ها، چارچوب ارتباطی جدیدی را در برقراری ارتباطات بین فردی فراهم کرده که با وجود محدودیت ذاتی خود، فرصت‌های جدیدی را نیز برای نمایش شخصیت در اختیار کاربران قرار داده است (یعقوبی، ۱۳۹۸: ۲۱). به بیان دیگر، کاربران پیرامون فضای یکسان و مشترکی به صورت مجازی جمع شده و اجتماعات برخط را تشکیل می‌دهند و این اجتماعات می‌توانند مرزهای جغرافیایی و زمانی را در نوردیده و به کاربران آزادی مشارکت در شکل‌نویین روابط جمعی آن‌هم فراسوی محدودیت‌های فیزیکی محل زندگی‌شان عرضه نمایند (محمدمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۵-۶۰). لازم به ذکر است ۸۰ درصد کاربران ایرانی، عضو شبکه‌های اجتماعی هستند و ضریب نفوذ فضای مجازی در ایران ۸۲ درصد است. نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد امروزه درصد زیادی از جمعیت ایران در یکی از شبکه‌های اجتماعی عضویت دارند و بر پایه نتایج پژوهش‌های انجام شده در مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، این عضویت به بیش از ۷۰ درصد رسیده است (اختر محقق و همکاران، ۱۴۰۰).

با وجود اینکه این شبکه‌ها فضایی می‌باشند که در آنجا کاربران، دوستان جدید می‌یابند و یا دوستان قدیمی خود را در جریان تغییرات زندگی‌شان قرار می‌دهند، همچنین مکان‌هایی برای تبادل و تضارب آرا هستند که در آن‌جا، افراد دیدگاه‌ها و نظرات خود را با دیگر کاربران به اشتراک می‌گذارند. در واقع این توانمندی که یک کاربر بتواند با دوستان خود در سایر کشورها تعامل برقرار کند موجب می‌شود تا این شبکه‌ها به مکانی برای معرفی و مورد بحث و بررسی قرار دادن ایده‌های جدید مبدل شوند، فیس بوک، تویتر، اینستاگرام، تلگرام و... از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی که در سال‌های اخیر به خوبی توانستند کاربران و اعضای زیادی را به سوی خود جلب کنند. جسیکا هیلبرمن<sup>۱</sup> بر این باور است که «امروزه بسیاری از کاربران برای ساختن زندگی خود از تعاملات و روابط اینترنتی و فعالیت‌های اجتماعی شبکه‌ای استفاده می‌کنند و فعالیت در این شبکه‌های اجتماعی، همه ابعاد زندگی آن‌ها را دربر گرفته است (هلیبرمن، ۲۰۰۹؛ به نقل از بشیر و افراسیابی، ۱۳۹۱: ۳۴). بنابراین همانطور که قبلاً نیز گفته شد جذابیت شبکه‌های اجتماعی سبب شده است تا بررسی ارتباط میان عضویت و حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات مربوط به ابعاد مختلف زندگی به یکی از دغدغه‌های پژوهشگر حوزه فرهنگ، ارتباطات، جامعه و ... تبدیل شود.

## کیفیت زندگی

مفهوم کیفیت زندگی از موضوعات دیرینه جامعه‌شناسی است و تحقیقات بسیاری در خصوص این مفهوم صورت گرفت ولی تا جندی قبل اکثر این تحقیقات تنها بر جنبه‌های مادی و بیرونی کیفیت زندگی تأکید داشتند و شاخص‌های کلان مانند میزان فقر در جامعه، نرخ شیوع بیماری‌ها و یا خودکشی را مورد مطالعه قرار می‌دادند. اخیراً با توجه به مباحثی مانند بالا رفتن انتظارات مردم و در نتیجه نارضایتی آنها از برخی جنبه‌های زندگی خود، کیفیت زندگی مخصوصاً از بعد ذهنی آن نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است (گروسی و نقوی، ۱۳۸۷).

متخصصین کیفیت زندگی را مترادف با سلامتی و آسایش و رفاه اقتصادی در زندگی قلمداد می‌کنند. گفتنی است که کیفیت زندگی یک زنجیره پویا در تمام ابعاد زندگی است و مطلوب بودن آن بیشترین تأثیر را در آینده خود فرد و افراد تحت تکفل وی دارد. علیرغم اینکه یک توافق کلی در تعریف کیفیت زندگی وجود ندارد، برخی اندیشمندان بر این باورند که کیفیت زندگی مجموعه‌ای است که نیازهای جسمی، عاطفی، اجتماعی و امکانات زندگی را تشکیل می‌دهد، برخی دیگر می‌گویند کیفیت زندگی به معنای احساسی است که فرد نسبت به رفاه اجتماعی، عاطفی و جسمانی خود دارد و این احساس متأثر از این است که یک فرد در شرایط مختلف زندگی تا چه اندازه به خشنودی شخصی رسیده است (سهیلی و فیروزی، ۱۴۰۰). کیفیت زندگی به عنوان ادراک فرد از موقعیت خود در زندگی در چارچوب فرهنگ و نظام ارزشی که در آن زندگی می‌کند و در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها و دغدغه‌هایش است. بنابراین، مفهومی گسترده است که به کیفیت زندگی به نحوه درک افراد از جنبه‌های زندگی خود مانند سلامت جسمانی، امنیت مادی و روابط بین فردی اشاره دارد. (اورسولاک و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). این یک مفهوم چند بعدی است که در یک زمینه اجتماعی-فرهنگی تثبیت شده و بر اساس ارزیابی ذهنی یک فرد از زندگی خود است (کارون و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲). نظریه‌پردازان معتقدند کیفیت زندگی مانند خود زندگی مفهومی پیچیده و کثیرالاضلاع است که در بر گیرنده عوامل ذهنی (بهبیستی درونی) که بر رضایت از زندگی و عوامل عینی (کارکردهای جسمانی، روانی و اجتماعی) که بر نیازهای مادی، مشارکت در فعالیت و روابط بین فردی متمرکز هستند. (حیاتی، ۱۴۰۰). در دنیای امروز، ارتقای کیفیت زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کیفیت زندگی مفهومی است که سلامت و عملکرد، حالات اجتماعی، اقتصادی و روانی و جنبه‌های عاطفی و معنوی خانواده را در بر می‌گیرد (ثانی و همکاران ۱۴۰۰؛ هاماساکی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸).

مفهوم کیفیت زندگی یک چارچوب مفید برای عملیاتی کردن ارزش‌ها و اصول ایدئولوژیک کنونی و به‌کارگیری آنها در توسعه سیاست، بهترین شیوه‌ها و ارزیابی نتیجه فراهم می‌کند (کامینز<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰؛ لومباردی و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۹). این به دلیل ماهیت جهانی مفهوم، ارزش‌ها، تمرکز بر فرد، و تأکید بر نتایج ارزشمند و ارجاع شده توسط شخص است (وردوگو و

۱ . Orszulak et al

۲ . Caron et al

۳ . Hamasaki et al

۴ . Cummins

۵ . Lombardi et al

همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴). به نظر ناتولی و بلان<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) کیفیت زندگی اغلب با ابعاد عینی و ذهنی توصیف می‌شود. ابعاد عینی شامل استانداردهای زندگی، درآمد، تحصیلات، وضع سلامتی، طول عمر، پول، دارایی، دانش، انرژی فیزیکی و فکری، ارتباطات اجتماعی و امنیت و ابعاد ذهنی آن شامل رضایت از زندگی، شادی، رتبه‌بندی شخصی، درک فرد از وضعیت زندگی در سیستم فرهنگی و ارزشی که فرد در آن زندگی می‌کند، می‌شود.

به طور کلی در پژوهش‌های مربوط به کیفیت زندگی به دو رویکرد کاملاً مجزا می‌توان اشاره کرد. اول دیدگاه اسکاندیناویایی کیفیت زندگی: این رویکرد در اکثر کشورهای اروپایی به ویژه کشورهای اسکاندیناوی طرفدار دارد و جان درینوسکی<sup>۳</sup> و ریچارد تیموس<sup>۴</sup> آن را ابداع کرده‌اند. در این رویکرد بر شرایط عینی زندگی و معرف‌های مرتبط به آن تأکید شده است و کیفیت زندگی در گرو ارضای نیازهای اولیه زندگی است. دوم دیدگاه آمریکایی کیفیت زندگی: در اکثر تحقیقاتی که در آمریکا در مورد کیفیت زندگی انجام شده است، محققان بیشتر به تجارب ذهنی افراد از زندگی‌اشان توجه کرده و بر معرف‌های ذهنی تأکید کرده‌اند. از اثرگذاران بر این رویکرد می‌توان به روانشناس اجتماعی توماس اشاره کرد. در این رویکرد از رضامندی و خوشبختی به عنوان معرف‌های اصلی یاد می‌شود. در کنار این دو رویکرد، رویکرد دیگری نیز وجود دارد که بر دو بعد عینی و ذهنی کیفیت زندگی تأکید می‌کند که می‌توان به روش‌های اجتماعی و اقتصادی در کیفیت زندگی اشاره کرد (غیاثوند، ۱۳۸۸).

## ارتباط شبکه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی

کیفیت زندگی که گاهی با رضایت از زندگی، بهزیستی یا شادی شناسایی می‌شود، تحت تأثیر متغیرهای زیادی است که یکی از آنها شبکه‌های اجتماعی است (مورگاش و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰). با توجه به اینکه نظریه واحدی درباره نقش شبکه‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی وجود ندارد، ناگزیر از نظریات جامعه شبکه‌ای کاستلز، نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، نظریه کاشت گرینر و نظریه ساخت‌یابی گیدنز برای تبیین تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کیفیت زندگی استفاده شد.

**نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز:** به لحاظ تاریخی کاستلز دگرگونی فناورانه را که منجر به ایجاد و اختراع شاهراه اطلاعاتی شده با اختراع بزرگ حروف الفبا در یونان ۷۰۰ سال پیش از میلاد مشابه می‌داند و معتقد است برای نخستین بار در تاریخ رسانه، ابرمتن یا فرازبانی شکل گرفته است که شیوه‌های مکتوب، شفاهی، دیداری، شنیداری ارتباطات انسانی در چارچوب یک سامانه یکپارچه می‌سازد. این پدیده که شاهراه اطلاعاتی نامیده می‌شود، به دلیل قابلیت یکپارچه سازی متن، تصویر و صدا در یک سامانه و شبکه جهانی، ماهیت ارتباطات را دستخوش دگرگونی‌های بنیادین ساخته است و از آنجا که ارتباطات

---

۱ . Verdugo et al  
۲ . Netuveli, & Blane  
۳ . Jan drinovski  
۴ . Richard Titmuss  
۵ . Murgaš et al

نقش تعیین کننده‌ای در شکل دهی فرهنگ دارد، کاستلز معتقد است با توجه به اینکه انتقال و جریان فرهنگ از طریق ارتباطات صورت می‌گیرد، حوزه فرهنگ که نظام‌هایی از عقاید و رفتارها را شامل می‌شود با ظهور فناوری‌های جدید دستخوش دگرگونی‌های بنیادین می‌گردد (کاستلز، ۱۳۸۹)

**نظریه ساخت یابی گیدنز:** در نظریه ساخت یابی فرد و ساخت نظام اجتماعی در زمان و مکان به همدیگر ارتباط پیدا می‌کنند و قلمرو مطالعات علوم اجتماعی بررسی اعمال اجتماعی است که در پهنه زمان و مکان نظم پیدا کرده‌اند (استونز، ۱۳۹۳). طبق نظریه ساخت یابی، عامل انسانی و ساخت در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند، تکرار رفتارهای افراد، ساختارها را بازتولید می‌کند و بواسطه همین بازتولید ساختارها از سوی کنش انسانی، ساختارها برای کنش انسانها محدودیت ایجاد می‌کنند. ساختار اجتماعی عمدتاً ناشی از فعالیت‌های روزمره افراد و تبعیت از قاعده است و ساختار به آن قواعدی بر می‌گردد که در چنین کنشی نهفته است (کرایب، ۱۴۰۱).

**نظریه کاشت گربنر:** گربنر استدلال می‌کند که اهمیت رسانه نه در تشکیل توده، بلکه در خلق راه‌های مشترک انتخاب و نگرستن به رویدادهاست که با استفاده از نظام‌های پیام مبتنی بر فناوری، عملی می‌شود و به راه‌های مشترک نگرستن و فهم جهان می‌انجامد. در واقع رسانه‌ها به ویژه گرایش دارند روایت‌های یکسان و نسبتاً مورد وفاق از واقعیات اجتماعی را ارائه و مخاطبان خود را نیز سازگار با آن، فرهنگ‌پذیر کنند. به طور خلاصه اینکه، متداول سازی به این معناست که تلویزیون چشم اندازه‌های مشترک را کشت کند و بیانگر نوعی از همگن سازی دیدگاه‌هاست (مهدوی زاده، ۱۳۹۶: ۶۸)

**نظریه یادگیری اجتماعی بندورا:** تأثیر رسانه‌های اجتماعی در زندگی روزانه شهروندان، محدود به تقویت یا تغییر نگرش‌ها و رفتارها نیست، بلکه می‌تواند منجر به کسب ارزش‌ها و نگرش‌ها و الگوهای رفتاری شود که از آن به آثار اجتماعی رسانه‌ها تعبیر می‌کنند. یکی از نظریه‌های مربوط به آثار اجتماعی رسانه‌ها، نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت باندورا است که به طور ویژه با ارتباط جمعی در ارتباط است. بر اساس این نظریه، انسان‌ها بیشتر آنچه را که برای راهنمایی و عمل در زندگی نیاز دارند، صرفاً از تجربه و مشاهده مستقیم یاد نمی‌گیرند، بلکه عمده آنها به طور غیرمستقیم و به ویژه از طریق رسانه‌های جمعی آموخته می‌شود (گوزلی و جعفری، ۱۳۹۸) بدیهی است تا زمانی که ما به رویدادی توجه نداشته باشیم و نتوانیم بخش‌های مهم آن را درک کنیم، نمی‌توانیم از آن رویداد چیزی بیاموزیم (تان، ۱۳۸۹: ۲۴۶). خلاصه اینکه رسانه‌های جمعی به خصوص رسانه‌های تصویری، منبع اصلی یادگیری اجتماعی هستند. باندورا معتقد است، رسانه‌ها اگر چه تنها منبع یادگیری اجتماعی نیستند و نفوذ و تأثیرشان به دیگر منابع یادگیری یعنی والدین، دوستان و معلمان وابسته است ولی روی مردم تأثیر مستقیم دارند و این تأثیرگذاری به میانجی نفوذ شخصی یا شبکه‌های اجتماعی صورت نمی‌گیرد (جعفری، ۲۳۴: ۳۹۶).

## روش‌شناسی

پژوهش حاضر از روش فراتحلیل به منظور ترکیب نتایج مطالعات موجود بهره می‌برد، لذا به لحاظ روشی یک تحقیق کمی است که از راهبرد فراتحلیل سود می‌برد. پیش فرض اصلی روش فراتحلیل آن است که هر مطالعه‌ای، برآورد متفاوتی از پارامتر و روابط موجود در جامعه را نشان می‌دهد و از تجزیه و تحلیل نظام‌مند انبوهی از داده‌ها، برآورد دقیق‌تری از پارامتر جامعه بدست می‌آید



## مراحل اجرایی پژوهش

مراحل اجرای تحقیق حاضر به روش فراتحلیل به شرح زیر می‌باشد؛

مرحله اول) مشخص کردن موضوع تحقیق: تحقیق حاضر به فراتحلیل مطالعات موجود پیرامون ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی می‌پردازد.

مرحله دوم) شناسایی و جمع‌آوری نظام‌مند مطالعات: شایان ذکر است جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه مطالعات موجود داخلی پیرامون ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی می‌باشد. گفتنی است، جامعه آماری این تحقیق را کلیه پژوهش‌های در ایران در زمینه بررسی رابطه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی تا پایان سال ۱۴۰۲ تشکیل دادند که در یکی از پایگاه اطلاعات علمی پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags)، جهاد دانشگاهی (SID)، ایرانداک (Irandoc)، بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)، آرشيو ژورنال‌های داخلی و ... نمایه شده بودند. این مطالعات تا قبل از مرحله غربال مطالعات، نوزده پژوهش را شامل می‌شد.

مرحله سوم) غربال مطالعات و گزینش تحقیقات: در این مرحله و بر اساس چند معیار مشخص از جمله؛ کمی بودن پژوهش، داشتن یافته آماری مرتبط (ضریب همبستگی رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی)، مشخص بودن حجم نمونه و ... در مجموع یازده سند پژوهشی گزینش شدند. با توجه به اینکه بر مبنای معیارهای فوق‌الذکر، تحقیقات مورد بررسی انتخاب شدند، می‌توان گفت این تحقیق از شیوه نمونه‌گیری هدفمند بهره برده است.

مرحله چهارم) استخراج اطلاعات از مطالعات منتخب: فهرست اطلاعاتی از جمله اطلاعات عمومی شامل: نام نویسندگان، سال انتشار اثر، جامعه آماری، یافته‌های آماری مرتبط به متغیرهای پژوهش، شامل ضریب همبستگی و حجم نمونه از پژوهش‌های منتخب استخراج شد و این اطلاعات به منظور تجزیه و تحلیل در نرم افزار CMA وارد شد.

مرحله پنجم) محاسبه اندازه اثر. در پژوهش مبتنی بر رویکرد فراتحلیل، به جای تکیه صرفاً تفسیری و ذهنی بر نتایج تک تک مطالعات، به معیار و برآورد کمی مشترکی موسوم به اندازه اثر هر یک از مطالعات توجه می‌کنند. هدف از به کارگیری اندازه اثر، یک شکل کردن یافته‌های آماری گوناگون مطالعات در شاخص عددی و اندازه‌ای مشترک است تا امکان مقایسه و ترکیب نتایج آماری مطالعات فراهم شود. پژوهش حاضر از اندازه اثر همبستگی بهره برده است. اما به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات و گزارش اندازه اثر ابتدا به بررسی مهمترین پیش‌فرض‌های فراتحلیل پرداخته شده است، به نحوی که از نمودار کیفی<sup>۱</sup>، روش رگرسیون ایگر<sup>۲</sup> و روش همبستگی بگ و مزومدار<sup>۳</sup> به منظور بررسی سوگیری نشر استفاده شده است و از آزمون کیو به منظور بررسی ناهمگنی مطالعات تحت بررسی استفاده شد. سپس با توجه به ناهمگنی مطالعات تحت بررسی، از مدل اثرات تصادفی<sup>۴</sup> برای ترکیب نتایج و گزارش اندازه اثر استفاده شده است. لازم به ذکر است که نتایج مدل اثرات تصادفی در شرایط ناهمگنی مطالعات و مدل اثرات ثابت در شرایط همگنی مطالعات ملاک تفسیر اندازه اثر هستند. پس از محاسبه اندازه اثر برای هر عامل به منظور تفسیر نتایج، از سیستم تفسیر کوهن<sup>۵</sup> استفاده شد و تمامی این عملیات با استفاده از ویرایش دوم نرم افزار فراتحلیل جامع<sup>۶</sup> انجام شد. در جدول شماره یک خلاصه یافته‌های

۱. Funnel plot

۲. Egger regression method

۳. Begg and Mazumdar rank correlation

۴. Random effect model

۵. Cohen

۶. Comperhensive Meta-Analysis – V۲

مرتبط با تحقیقات مختلف در زمینه ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی آمده است.

### جدول شماره (۱) فهرست و مشخصات آثار

عنوان اثر	محقق و سال	جامعه آماری	نوع پژوهش	ضریب همبستگی	حجم نمونه	شیوه نمونه‌گیری
ارتباط حمایت اجتماعی درک شده و اندازه شبکه اجتماعی با ابعاد کیفیت زندگی	حیدری و همکاران (۱۳۸۷)	بیماران مبتلا به سرطان تهران	پیمایش	۰,۲۴۶	۲۲۰	مستمر
ارتباط شبکه اجتماعی با کیفیت زندگی	اکبری بیاتینی و همکاران (۱۳۹۰)	والدین دانش‌آموزان کم توان ذهنی مقطع ابتدایی و راهنمایی شهر دزفول	پیمایش	۰,۳۲۲	۳۳۹	تصادفی ساده
استفاده از رسانه‌ها، سبک زندگی و کیفیت زندگی	خواجه نوری و سروش (۱۳۹۳)	جوانان شیراز	پیمایش	۰,۲۴۹	۷۴۵	خوشه‌ای چندمرحله‌ای
بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در کیفیت زندگی	دوله و همکاران (۱۳۹۵)	کاربران ۲۰ تا ۲۹ ساله شهر تهران	پیمایش	۰,۰۱۰	۷۰۰	تصادفی و خوشه‌ای
استفاده از اینترنت و رابطه آن با سلامت روان و کیفیت زندگی	نائینیان و همکاران (۱۳۹۵)	دانش‌آموزان مقطع دبیرستان تهران	پیمایش	-۰,۳۷۰	۷۳۶	خوشه‌ای چندمرحله‌ای
ارتباط شبکه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامت	مرادی و جمشیدی (۱۳۹۷)	بزرگسالان تهران	پیمایش	۰,۴۳	۱۹۰۰	خوشه‌ای
بررسی نقش اعتیاد به اینترنت بر کیفیت زندگی	طباطبایی و طحان (۱۳۹۸)	دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی قائنات	پیمایش	-۰,۱۳۶	۱۱۷	در دسترس
تأثیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با نقش میانجی‌گری کیفیت زندگی بر سلامت عمومی	زمانی و همکاران (۱۳۹۸)	ورزشکاران جانباز و معلول ایران	پیمایش	۰,۰۳۷	۳۹۰	تصادفی و خوشه‌ای
بررسی رابطه کیفیت زندگی با اعتیاد به اینترنت	فلاح (۱۳۹۸)	دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن	پیمایش	-۰,۳۸۰	۲۰۰	تصادفی طبقه‌ای
تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی	گوزلی و جعفری (۱۳۹۸)	مددجویان تحت حمایت کمیته امداد شهرستان اردبیل	پیمایش	۰,۳۵۵	۳۸۴	در دسترس
تدوین مدل پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت بر اساس کیفیت زندگی و رضایت از زندگی، نقش واسطه‌ای راهبردهای مقابله با استرس	مام شریفی و همکاران (۱۳۹۹)	دانشجویان دانشگاه‌های علامه و الزهرا	پیمایش	-۰,۶۳۰	۳۰۰	در دسترس

### بررسی مفروضات اولیه

در این بخش به بررسی مهمترین مفروضات روش فراتحلیل اعم از بررسی سوگیری انتشار و همگن بودن مطالعات تحت بررسی پرداخته شده است.

### بررسی مفروضه همگنی مطالعات انجام شده

نتایج حاصل از بررسی همگنی مطالعات تحت بررسی در جدول شماره (۲) نمایش داده شده است؛

جدول (۲): نتایج حاصل از همگنی مطالعات تحت بررسی

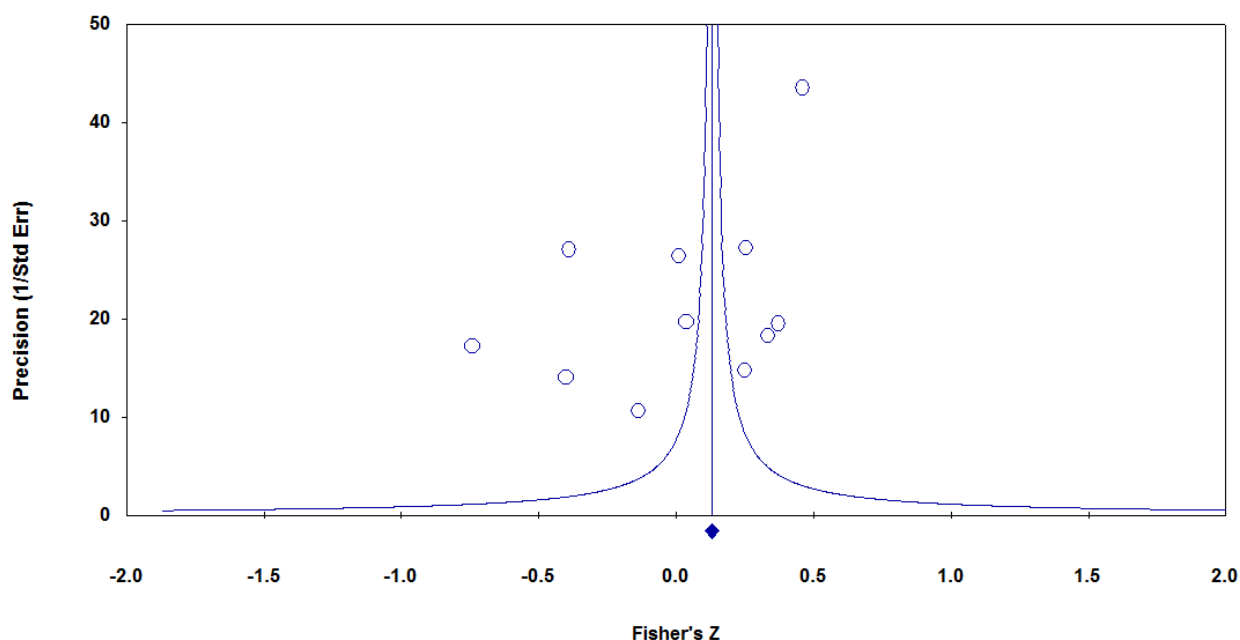
شاخص آماری	مقدار آزمون (Q)	درجه آزادی (Df)	سطح معنی داری (P-Value)	I-Squared (I <sup>۲</sup> )
نتایج	۷۵۶,۵۹۸	۱۰	۰,۰۰۱	۹۸,۶۷۸

با توجه به نتایج حاصل از آزمون ( $Q = 756,598, P < 0,01$ ) باید گفت با اطمینان ۹۹٪ فرض ناهمگونی میان پژوهش‌ها تأیید می‌شود. نتایج حاصل از ضریب مجذور I نیز مؤید این مطلب است که حدوداً ۹۸ درصد از تغییرات کل مطالعات به ناهمگنی مطالعات مربوط می‌باشد. لذا تلفیق آنها با مدل آثار ثابت موجه نیست و باید از مدل اثرات تصادفی به منظور ترکیب نتایج استفاده کرد.

### بررسی مفروضه سوگیری نشر

یکی از مفروضات اصلی فرا تحلیل، مفروضه خطای انتشار می‌باشد که ناشی از انتشار پژوهش‌های چاپ شده و عدم انتشار پژوهش‌های چاپ نشده و انواع خطاها می‌باشد. در همین راستا باید گفت از جمله مشکلاتی که موجب مخدوش شدن اعتبار نتایج فرا تحلیل می‌شود، عدم دسترسی محقق به تمام مطالعاتی است که در فاصله زمانی خاص در موضوع مورد بررسی انجام شده‌اند. یکی از رایج‌ترین روش‌ها به منظور بررسی خطای انتشار، نمودار کیفی، روش رگرسیون ایگر و همبستگی رتبه ای بگ و مزومدار استفاده شده است. نمودار زیر نتایج حاصل از نمودار کیفی را به منظور بررسی سوگیری نشر نشان می‌دهد:

Funnel Plot of Precision by Fisher's Z



نمودار (۱): نمودار کیفی به منظور بررسی خطای انتشار

از آنجا که بر اساس نتایج بدست آمده از نمودار کیفی نمی‌توان قضاوت صریحی در خصوص سوگیری نشر داشت، لذا در پژوهش حاضر از آزمون‌های آماری مرتبط از جمله روش رگرسیونی خطی اگر و آزمون همبستگی بگ و مزومدار نیز استفاده شده است که نتایج حاصل از بررسی روش‌های مذکور، به منظور بررسی سوگیری انتشار به شرح جدول (۳) می‌باشد:

جدول (۳) نتایج حاصل از بررسی روش همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار و روش رگرسیون ایگر

آزمون	مقدار ضریب کنندال (tau)	Z-Value	(P-Value)
همبستگی بگ و مزومدار	-۰,۲۳۶	۱,۰۱۲	۰,۳۱۱
رگرسیون ایگر	برش (B)	t-Value	(P-Value)
	-۱۱,۰۶۷	۱,۷۱۳	۰,۰۶۰

نتایج حاصل از جدول شماره (۳) مؤید این مطلب است آماره آزمون مرتبط به هر دو روش در سطح خطای کمتر از پنج درصد معنادار نشده است. لذا نتایج فوق بیانگر این مطلب است که بر اساس هر دو روش عدم سوگیری انتشار در مطالعات تأیید می‌شود.

### یافته‌های مرتبط با فراتحلیل مطالعات تحت بررسی

با توجه به اینکه پس از بررسی مفروضات فراتحلیل به مشخص شد که باید از مدل اثر تصادفی به منظور ترکیب نتایج کلی به منظور گزارش اندازه اثر استفاده کرد، لذا در جدول شماره (۴) گزارش اندازه اثر مطالعات انجام شده در مدل تصادفی به منظور بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کیفیت زندگی به تفکیک مطالعات تحت بررسی گزارش شده است.

جدول شماره (۴) خلاصه اطلاعات مربوط به فراتحلیل بر روی پژوهش‌های نمونه

ردیف	محقق و سال	اندازه اثر	حد پائین	حد بالا	Z-Value	P-Value
۱	حیدری و همکاران (۱۳۸۷)	۰,۲۴۶	۰,۱۱۸	۰,۳۶۶	۳,۷۰۰	۰,۰۰۱
۲	اکبری بیاتینی و همکاران (۱۳۹۰)	۰,۳۲۲	۰,۲۲۳	۰,۴۱۴	۶,۱۲۰	۰,۰۰۱
۳	خواجه نوری و سروش (۱۳۹۳)	۰,۲۴۹	۰,۱۸۰	۰,۳۱۵	۶,۹۲۸	۰,۰۰۱
۴	دوله و همکاران (۱۳۹۵)	۰,۰۱۰	-۰,۰۶۴	۰,۰۸۴	۰,۲۶۴	۰,۷۹۲
۵	نائینیان و همکاران (۱۳۹۵)	-۰,۳۷۰	-۰,۴۳۱	-۰,۳۰۶	-۱۰,۵۱۶	۰,۰۰۱
۶	مرادی و جمشیدی (۱۳۹۷)	-۰,۴۳۰	-۰,۳۹۳	-۰,۴۶۶	-۲۰,۰۳۱	۰,۰۰۱
۷	طباطبایی و طحان (۱۳۹۸)	-۰,۱۳۶	-۰,۳۱۰	۰,۰۴۷	-۱,۴۶۱	۰,۱۴۴
۸	زمانی و همکاران (۱۳۹۸)	۰,۰۳۷	-۰,۰۶۳	۰,۱۳۶	۰,۷۲۸	۰,۴۶۶
۹	فلاح (۱۳۹۸)	-۰,۳۸۰	-۰,۴۹۳	-۰,۲۵۵	-۵,۶۱۵	۰,۰۰۱
۱۰	گوزلی و جعفری (۱۳۹۸)	-۰,۳۵۵	-۰,۲۶۴	۰,۴۳۹	-۷,۲۴۵	۰,۰۰۱
۱۱	مام شریفی و همکاران (۱۳۹۹)	-۰,۶۳۰	-۰,۶۹۴	-۰,۵۵۶	-۱۲,۷۷۷	۰,۰۰۱

بر طبق جدول (۴) در هشت پژوهش تحت بررسی، ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی در سطح خطای کمتر از ۵ درصد و با ۹۵ درصد اطمینان معنادار شده است. همچنین نتایج نشان داد که بزرگترین مقدار اندازه اثر معنادار مربوط به مطالعه آخر (مام‌شریفی و همکاران، ۱۳۹۹) و کوچکترین مقدار اندازه اثر معنادار مربوط به مطالعه اول (حیدری و همکاران، ۱۳۸۷) می‌باشد. با توجه به اینکه پس از بررسی مفروضات فرا تحلیل این نتیجه حاصل شده است که باید از مدل اثر تصادفی به منظور ترکیب نتایج جهت گزارش اندازه اثر استفاده شود، لذا در جدول شماره (۵) گزارش اندازه اثر مطالعات انجام شده در مدل اثرات تصادفی ارائه شده است.

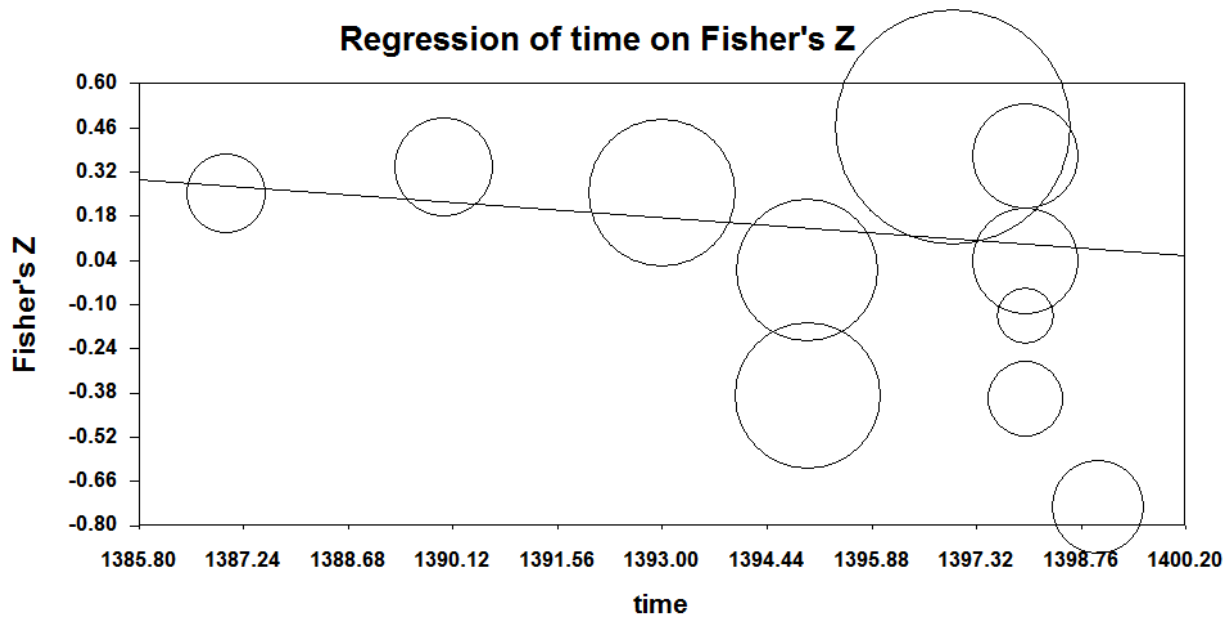
**جدول شماره (۵) اندازه اثر مطالعات رابطه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی**

تعداد مطالعات	اندازه اثر (r)	حد پائین	حد بالا	Z-Value	P-Value
۱۱	-۰,۲۱۰	-۰,۳۳۹	-۰,۰۷۳	-۲,۹۹۲	۰,۰۰۳

نتایج جدول شماره ۵ مبین این مطلب است که میانگین اندازه اثر شبکه‌های اجتماعی مجازی (اثرات ترکیبی تصادفی) بر کیفیت زندگی در نمونه مورد پژوهش معادل  $-۰,۲۱۰$  می‌باشد. با توجه به اینکه اندازه برآورد شده در محدوده اطمینان می‌باشد، باید گفت بر مبنای مجموعه مطالعات تحت بررسی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کیفیت زندگی در سطح خطای کمتر از پنج درصد و با نود و پنج درصد اطمینان تأثیر معناداری دارند و با توجه به علامت منفی ضریب اندازه اثر می‌توان گفت این تأثیر از نوع کاهنده است. همچنین از نظر شدت اثر و بر مبنای معیار کوهن می‌توان گفت شدت اندازه اثر مذکور در حد متوسط رو به پائین می‌باشد. پس بر اساس مجموع مطالعات تحت بررسی و اندازه اثر ترکیبی مطالعات در مدل اثرات تصادفی می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر کاهنده و با شدت متوسط رو به پائین بر کیفیت زندگی دارد، در واقع این یافته مؤید این مطلب است که افزایش میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با شدت متوسط رو به پائینی بر کاهش کیفیت زندگی افراد تأثیر گذار است

### **بررسی نقش تعدیل‌کنندگی متغیر سال انجام مطالعات**

نتایج حاصل از آزمون کیو نشان داد که مطالعات تحت بررسی ناهمگن می‌باشند، لذا از مدل اثرات تصادفی به منظور ترکیب مطالعات استفاده شد و در این بخش سعی شده است که منبع واریانس (پراکندگی) مطالعات تحت بررسی از طریق بررسی سال انجام مطالعات مورد بررسی قرار گیرد و از آنجا که سال انجام مطالعات یک متغیر کمی بوده است به منظور بررسی نقش تعدیل‌کنندگی این متغیر از روش فرا رگرسیون استفاده شده است که نتایج حاصل از آن به شرح زیر می‌باشد:



نمودار (۲): نمودار فرارگرسیون برای بررسی نقش تعدیل کنندگی سال انجام مطالعات

با توجه به اینکه شیب خط رگرسیونی در نمودار فرارگرسیون منفی شده است، این موضوع مؤید این است که اولاً نقش تعدیل کنندگی متغیر سال انجام مطالعات در رابطه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی تأیید می‌شود و ثانیاً بیانگر این مطلب است که به موازات طی شدن زمان، به طور متوسط شدت رابطه معکوس بین دو متغیر تحت بررسی بیشتر شده است.

### بحث و نتیجه گیری

با توجه به اینکه از یک سو موضوع شبکه‌های اجتماعی و پیامدهای آن مورد توجه دانش پژوهان و طرح‌های پژوهشی متعددی قرار گرفته است و از سوی دیگر بعضی از نتایج پژوهش‌های انجام شده مشابه و متناقض بوده و همچنین گستردگی مطالعات موجود در این زمینه، زمینه ساز تدوین پژوهش حاضر گشته که با رویکردی نوین به فراتحلیل به ادراکی جامع‌تر و یکپارچه‌تر از نتایج بپردازد. پژوهش حاضر به این هدف انجام شده است که چنانکه به جای تکرار پژوهش‌ها، ترکیب نتایج آنها پیگیری شود، هم چشم‌انداز روشن‌تری از تعامل شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی حاصل می‌شود. بنابراین مهمترین هدف پژوهش حاضر فراتحلیل مطالعات انجام شده پیرامون ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی می‌باشد تا از این طریق مشخص شود در مجموع مطالعات موجود، کیفیت زندگی تا چه حد متأثر از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌باشد. گفتنی است مروری بر تحقیقات موجود در زمینه تعامل شبکه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی نشان می‌دهد، تاکنون تحلیل‌های اولیه از نوع پیمایش در این زمینه انجام شده است، اما هیچ مطالعه‌ای تاکنون به تحلیل ثانویه یا فراتحلیل مطالعات موجود در این زمینه نپرداخته است تا از این طریق مشخص شود بر مبنای ذخیره دانش موجود و پیشینه مطالعاتی کیفیت زندگی تا چه حد متأثر از میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌باشد.

مرور نظام‌مند تحقیقات موجود در این زمینه گواه این موضوع بود که جو روش شناسی حاکم بر تحقیقات این حوزه، مبتنی بر پارادایم پوزیتویستی و روش کمی بوده و در مقابل روش‌های کیفی مورد بی‌مهری و بی‌توجهی واقع شده است، این در حالی است که تحقیقات کیفی با توجه به مفروضات هستی‌شناسی متفاوتی که با تحقیقات کمی دارند برای درک و تحلیل پدیده‌های اجتماعی از جمله کیفیت زندگی و تبعات استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی هم می‌توانست بسیار مفید باشد، اما خب همانطور که گفته شد، کمتر بدان توجه شده است و از این حیث، پژوهش‌های موجود در این زمینه در خور تعمق و مذاقه بیشتری است و همچنین بایستی اذعان داشت یک مسئله مهم در تحقیقات کمی، پشتوانه تئوریک داشتن است. به بیانی دیگر با توجه به اینکه تحقیقات کمی با استراتژی پژوهشی قیاسی اقدام به پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق می‌کنند، در این مسیر باید از طریق مرور ادبیات نظری و تئوری‌های موجود، حدس‌های احتمالی (فرضیات) در پاسخ به پرسش‌های تحقیق ارائه شوند، لذا جایگاه نظریه در تحقیقات کمی بسیار حیاتی می‌باشد، اما مرور نظام‌مند تحقیقات موجود نشان داد که پژوهشگران مختلف از ادبیات نظری استفاده کردند، اما برخی از آنها، مشخص نکردند که از ادبیات نظری موجود چه استفاده‌ای کرده‌اند و چارچوب نظری تحقیق را به طور مشخص بیان نکرده‌اند، مضاف بر اینکه اکثریت مطلق تحقیقات تحت بررسی به نقد و بررسی پیشینه مطالعاتی خود پرداخته‌اند، این در حالی است که یکی از بخش‌های مهم هر تحقیق این است که هر پژوهشگر، ضمن نگارش پیشینه مطالعاتی خود، به نقد و بررسی سوابق پژوهشی موجود نیز بپردازد تا از این طریق نقاط افتراق و اشتراک پژوهش خود را با ذخیره مطالعاتی موجود بهتر بیان کند، اما مرور نظام‌مند مطالعات موجود حاکی از این است که جمع‌بندی پیشینه مطالعاتی یکی دیگر از مسائلی است که محققین مختلف کمتر بدان اهتمام ورزیده‌اند.

یکی از نکات دیگری که در خصوص مطالعات موجود به شکلی نسبتاً پر رنگ دیده می‌شد، عدم حضور محققین در متن بود، به بیانی دیگر کمتر شاهد تحلیل و تفسیر پژوهشگران مختلف در متن پژوهش می‌باشیم. این در حالی است که یکی مهمترین ضرورت‌های انجام یک کار پژوهشی این است که محقق، یافته‌های بدست آمده را تفسیر و تحلیل و تبیین نمایند تا از این طریق یک یافته آماری را برای مخاطبین خود شفاف‌تر و ملموس‌تر بیان کند، اما بعضاً شاهد بودیم که در پژوهش‌های انجام شده، تبیین‌های ضعیف ملاحظه می‌شود که این ضعف وقتی همراه با عدم ارائه پیشنهادات کاربردی همراه می‌شود که در بخش قابل توجهی از پژوهش‌های این حوزه نمود دارد، نقص دیگری را در تحقیقات موجود این حوزه آشکار می‌کند.

نتایج حاصل از تک تک مطالعات تحت بررسی نشان داد که پیرامون تعامل دو مفهوم استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و کیفیت زندگی جهت‌گیری‌هایی نظری متفاوتی وجود دارد، برخی از مطالعات استفاده از شبکه‌های اجتماعی را تقویت کننده کیفیت زندگی دانسته‌اند و در مقابل برخی از مطالعات نیز نشان داده‌اند که حضور در فضای مجازی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی به کاهش کیفیت زندگی در دنیای واقعی منجر می‌شود که مرور اولیه بر نتایج ده مطالعه تحت بررسی نیز مؤید همین مطلب بود، به نحوی که ۵۵٪ مطالعات رابطه دو متغیر مذکور را معکوس و ۴۵٪ مطالعات، رابطه بین دو متغیر را مستقیم گزارش کرده‌اند، لذا اهمیت انجام فراتحلیل برای چنین مطالعاتی مضاعف می‌شود، از این حیث که محقق بتواند با توجه به ذخیره دانش موجود و بر مبنای برآیند مطالعات موجود مشخص کند که شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر تقویت کننده کیفیت زندگی هستند یا تضعیف کننده آن. لذا در همین راستا و با ورود نتایج تحقیقات مورد نظر به نرم افزار فراتحلیل ابتدا با استفاده از روش‌های نمودار کیفی، همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار و نیز رگرسیون اگر این نتیجه حاصل شد که انتخاب یازده مطالعه مورد نظر برای انجام این فراتحلیل، سوگیری انتشار ندارد و سپس با استفاده از آزمون کیو فرضیه همگنی یا نا همگنی مطالعات بررسی شد که نتیجه آزمون نشان از ناهمگنی مطالعات داشت، بنابراین لازم بود برای ادامه بررسی‌ها از اندازه اثرات تصادفی به جای ثابت استفاده شود.

نتایج حاصل از اندازه اثر ترکیب مطالعات بیانگر این موضوع بود اندازه اثر مدل تصادفی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کیفیت زندگی برابر با ۰,۲۱۰- است که بر مبنای معیار کوهن حاکی از اثر در حد متوسط رو به پائین می‌باشد. لذا می‌توان گفت، اولاً بر مبنای مجموع مطالعات موجود در این حوزه می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر نقش تضعیف کننده کیفیت زندگی را دارا می‌باشند و ثانیاً بر مبنای معیار کوهن می‌توان گفت کیفیت زندگی کاربران در سطح متوسط رو به پائینی متأثر از میزان استفاده آنها از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌باشد. به منظور تبیین احتمالی این یافته می‌توان از تئوری هابرماس استفاده کرد، تأثیر معنادار شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کیفیت زندگی می‌توان گفت اگر مؤلفه‌های اساسی حوزه عمومی را گفتگو و افکار عمومی و واکنش بدانی، شبکه‌های اجتماعی به مثابه رسانه جدید، بستر مناسبی برای ظهور و تجلی هر یک از آنهاست. افراد می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی به گفتگو و تعامل پیرامون مسائل و موضوعات مورد علاقه خود بپردازند و از این طریق افکار عمومی به عنوان صدای مردم شکل بگیرد. پس محیط اینترنت این فضا را فراهم کرده و شرایط حوزه عمومی مورد نظر هابرماس را تا حدودی دارا می‌باشد، حوزه عمومی هابرماس عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند و کنش ارتباطی از طریق بیان و گفتگو تحقق می‌یابد. از دیدگاه هابرماس نیازهای اصلی یا اصیل معینی وجود دارد که تمامی افراد کاملاً آزاد آنها را دارند و این نیازها توسط هر کس که صمیمانه وارد یک گفتگوی عملی شود ضرورتاً کشف خواهد شد. در محیط تعاملی شبکه‌های اجتماعی مجازی افراد با طرح نیازهای خود باعث شکل‌گیری یک فضای گفتگو و مباحثه می‌شوند و بدین گونه نیازها و نیت‌های درونی خود را برای شنونده ابراز می‌کنند و او را به دنیای درونی احساس‌ها و انگیزه‌های خود می‌کشاند. این احساسات باعث ایجاد صمیمیت بین افراد می‌شود و آنان ضمن بیان نیازها، انرژی عاطفی خود را در این محیط صرف می‌کنند (خانیکی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۴).

در این راستا، ابزارهای ارتباطی در حوزه عمومی از مهمترین موضوعات قلمداد می‌شود که در حوزه عمومی، شبکه‌های اجتماعی که در آن به اشتراک اطلاعات پرداخته می‌شود ابزارهای ارتباطی این حوزه محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر گفتگو مؤلفه اساسی حوزه عمومی است که شبکه‌های اجتماعی مجازی زمینه مناسبی برای ظهور آن به شمار می‌رود، به گونه‌ای که شهروندان می‌توانند از طریق آن به گفتگو و تعامل پیرامون مسائل و موضوعات مورد علاقه بپردازند و بدین صورت و براساس استفاده مشترک از اطلاعات فرصت برابر داشته باشند (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۶). بر این اساس، امکان آسان ارتباط برقرار ساختن مؤثر در حوزه عمومی به افراد اجازه می‌دهد که خود را از شنونده یا خواننده منفعل به سخنگوی بالقوه و مشارکت کننده در یک گفتگو تبدیل سازند. در واقع، حوزه عمومی مجازی، فضایی تصویری است که فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی ایجاد می‌کنند و فضایی است بسیار فراخ و باز که هر فرد یا گروه در صورت دارا بودن زمینه‌ها و ابزار لازم، می‌توانند به درون آن راه یابند، پس این فضا در واقع نوعی حوزه عمومی است که هابرماس آنرا همچون قلمرو مکالمه یا گفتگوی فارغ از زور و اجبار و معطوف به یک توافق عملی تعریف می‌کند (سیدعلوی و نقیب السادات، ۱۳۹۱: ۱۳۱). لذا با توجه به پتانسیلی که شبکه‌ها اجتماعی در شکل‌گیری حوزه عمومی دارند، می‌توانند بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیرگذار باشند.

البته با توجه به اینکه نتایج مطالعه حاضر نشان داد که بر مبنای مطالعات تحت بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کیفیت زندگی منفی شده است، باید گفت امروزه پاندول شبکه‌های اجتماعی بین دو دیدگاه تهدید و فرصت در نوسان است اما با توجه به اینکه هنوز تعریف درستی از آن در جامعه وجود ندارد به نظر می‌رسد این پاندول در جامعه ما به تهدیدهای اجتماعی نزدیکتر شده است. اگر چه پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات و به دنبال آن استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در اشکال مختلف، کارکردهای مثبتی در زمینه‌های مختلف از جمله کیفیت زندگی بشر داشته است، اما نباید تأثیرات منفی آن غفلت شود. کنش‌های رسانه‌ای، درک ما را از فضا و زمان بازسازی کرده‌اند. در حال حاضر واقعیت دیگر، نه محصول



تماس با جهان خارج بلکه نتیجه مصرف کالایی است که صفحات رسانه‌های جمعی مختلف به ما عرضه می‌کنند. رسانه به جهان بدل شده و در زندگی ما رخنه کرده و زندگی ما نیز در رسانه تحلیل رفته است. رسانه‌ها، بشر در جهانی قرار دادند که اطلاعات در آن هر چه بیشتر و معنی در آن هر چه کمتر یافت می‌شود. در واقع رسانه‌ها، عاملان جابجایی وانموده‌ها و واقعیت هستند و پیام‌های خود را در قالب تلفیقی از شبه واقعیت و واقعیت‌هایی که هر یک دیگری را افزایش می‌دهند عرضه می‌کنند. در دنیای کنونی، رسانه‌ها می‌توانند با آفرینش دنیایی شبیه سازی شده، هر امر «غیرواقعی» را «واقعی» و هر «نیست» را «هست» جلوه دهند و بر قامت بحرانی که تولد نیافته، جامه هستی بپوشانند و بالعکس. امپریالیسم خبری در دنیای امروز، با اتکا به قدرت فناوری، به شکل نظام یافته‌ای و در راستای ایجاد بحران، جهت‌دهی به افکار عمومی جهان و شکل‌گیری عقاید و گرایش‌ها و رفتارهای مورد نظر خود بسیار تلاش می‌کنند. این نوع امپریالیسم با تولید و بازتولید انبوه نشانه‌ها و صدور آنها، جهان را در متن و بطن یک ناامنی یا بحران جهانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی قرار داده است. رسانه‌ها با تغییر بینش‌ها، روش و منش انسان‌ها، زیرساخت‌ها و شالوده‌های فرهنگی، معرفت و هویت جوامع را مضمحل می‌سازد. آنان همچنین می‌توانند از رهگذر تولید و بازتولید مستمر و انبوه ایستارها، هنجارها و ارزش‌های کاذب و تزریق آنها به آحاد جامعه، انسان‌های آن جامعه را در معرض نوعی گم‌گشتگی و سرگشتگی هویتی و گفتمانی قرار دهند و از این طریق لطمات زیادی را بر کیفیت زندگی آنها بزنند.

در پایان باید گفت با توجه به اینکه نتایج پژوهش حاضر نشان داد که شبکه‌های اجتماعی مجازی تضعیف‌کننده کیفیت زندگی می‌باشند، لذا در همین رابطه توصیه می‌شود با آموزش نوع استفاده کاربران از شبکه‌های اجتماعی و جهت دادن به استفاده از این شبکه‌های مجازی در خصوص دستیابی به بالاترین سطح کیفیت زندگی، می‌توان تاحدودی چگونگی استفاده از آن را تحت کنترل قرار داد و از ضرر و زیان‌های ناشی از تضعیف ابعاد کیفیت زندگی به فراخور استفاده‌های متعدد که از آن می‌شود دوری گزید. در حقیقت سواد دیجیتال در جامعه مدرن ما ضروری شده است. سواد دیجیتال افراد را قادر می‌سازد تا فعالانه در زندگی دیجیتال شرکت کنند، اطلاعات مربوطه را بیابند، به طور موثر ارتباط برقرار کنند، مشکلات را حل کنند، در فضای آنلاین ایمن بمانند و از فرصت‌های ارائه شده توسط فناوری استفاده کنند و از خطراتی که در این فضا وجود دارند دوری کنند. در مجموع باید گفت با توجه به اینکه در عصر جدید نمی‌توان با شبکه‌های اجتماعی مجازی برخورد حذفی کرد و چنین رویه‌هایی کارایی لازم را نداشته است، احتمالاً با تشویق افراد به بالا بردن سواد رسانه‌ای خود در استفاده از شبکه‌های اجتماعی، از قبیل آموزش آنان به این امر که منابع خبری خود را از سایت‌ها و کانال‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی معتبرتر کسب نمایند، شاید بتوان با آثار تضعیف‌کننده و منفی چنین شبکه‌هایی بر روی کیفیت زندگی و سلامت اجتماعی افراد برخورد کرد و در مقابل با فرهنگ سازی، از آثار مثبت شبکه‌های اجتماعی در تقویت کیفیت زندگی افراد بهره برد.

## منابع

- اخترمحقق، مهدی، ربیعی، علی، فرهنگی، علی اکبر (۱۴۰۰). ارائه الگوی کاربرد شبکه‌های اجتماعی در راستای تقویت سرمایه اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۴ (۱)، ۱۴۵-۱۲۷.
- استونز، راب (۱۳۹۳). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- اکبری بیاتانی، عبدالرضا، پورمحمد رضای تجریشی، معصومه، گنجعلی‌وند، ناهید، میرزمانی، محمود، صالحی، مسعود (۱۳۹۰). ارتباط شبکه اجتماعی با کیفیت زندگی در والدین دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر، فصلنامه ایرانی کودکان استثنائی، سال یازدهم، شماره ۲، صص ۱۷۴-۱۶۳.
- بشیر، حسن، افراسیابی، محمدصادق (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان: مطالعه موردی بزرگترین جامعه مجازی ایرانیان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۳۱-۶۲.
- تن، الکسیس (۱۳۸۹). نظریه‌ها و پژوهش‌های ارتباط جمعی، ترجمه نعیم بدیعی، تهران: نشر همشهری.
- جعفری ثانی، فاطمه، برخوردار شریف‌آباد، معصومه، سالاری، محمدمهدی (۱۴۰۰). بررسی کیفیت زندگی مراقبین بیماران تحت همودیالیز، مجله پرستری، ۱۹ (۱۱)، ۹۲۹-۹۲۰.
- جهانگرد، اسفندیار (۱۳۹۱). برآورد اثرهای اقتصادی شبکه‌ای سیستم تلفن همراه اول در تهران، تحقیقات اقتصادی، ۴۷ (۴)، صص ۱-۱۸.
- حمایت خواه، مجتبی (۱۴۰۰). تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر انحرافات اجتماعی زنان، نشریه علمی انتظام اجتماعی، سال سیزدهم، شماره اول، ۲۶-۱.
- حیاتی، صفر (۱۴۰۰). رابطه دینداری و گرایش به سبک زندگی اسلامی با کیفیت زندگی دانشجویان، ۱۸ (۵۹)، ۱۵۳-۱۲۹.
- حیدری، سمیه، سلحشوریان، آسیه، رفیعی، فروغ، حسینی، فاطمه (۱۳۸۷). ارتباط حمایت اجتماعی درک شده و اندازه شبکه اجتماعی با ابعاد کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سرطان؛ فصلنامه علمی و پژوهشی فیض، دوره دوازدهم، شماره ۲، صص ۲۲-۱۵.
- خانیکی، هادی، اتابک، محمد، عزیزی، فرید (۱۳۹۶). تحلیل وضعیت شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران با رویکرد حوزه عمومی هابرماس، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، دوره ۱۸، شماره ۳۷، صص ۱۳۰-۱۰۱.
- خواجه‌نوری، بیژن، سروش، مریم (۱۳۹۳). استفاده از رسانه‌ها، سبک زندگی و کیفیت زندگی جوانان شیراز، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال یازدهم، شماره دوم، صص ۴۹-۲۵.
- دوله، معصومه، اسماعیلی، رضا، امیرمظاهری، امیرمسعود (۱۳۹۵). بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در کیفیت زندگی (مورد مطالعه کاربران، ۲۰ تا ۴۹ ساله شهر تهران)، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال دهم، شماره چهارم، پیاپی (۳۵)، صص ۱۲۰-۹۷.
- رسول زاده اقدم، صمد، عدلی پور، صمد، میرمحمد تبار، سید احمد، افشار، سیمین (۱۳۹۴). تحلیل نقش رسانه‌های اجتماعی در گرایش به سبک زندگی نوین در بین جوانان ایرانی، دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال چهارم، شماره ۶، صص ۳۳-۶۰.

- زمانی، محمدتقی، زارعی، علی، سجادی هزاوه، حمید، حاجی انزهایی، زهرا (۱۳۹۸). تأثیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با نقش میانجی‌گری کیفیت زندگی بر سلامت عمومی ورزشکاران جانباز و معلول ایران، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، سال ۶۲، صص ۴۱۰-۴۰۳.
- سخائی، ایوب (۱۳۹۷). تبیین جامعه شناختی سلامت اجتماعی در بین شهروندان شهر کاشان، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان.
- سهیلی، ثریا، فیروزی، فاطمه (۱۴۰۰). بررسی تأثیر آموزش سبک زندگی بر کیفیت زندگی بیماران دیابتی، فصلنامه پرستاری دیابت، ۹ (۴)، ۱۷۳۸-۱۷۲۸.
- سیدعلوی، مسعود، نقیب السادات، رضا (۱۳۹۱). حوزه عمومی در فضای مجازی، مؤلفه‌های شکل گرفته حوزه عمومی مجازی از دیدگاه کارشناسان علوم ارتباطات و علوم سیاسی در دانشگاه‌های ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۷، صص ۱۱۰-۱۵۳.
- شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۴). سنجش میزان بهره‌مندی از شاخص‌های سلامت اجتماعی جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهرستان قائن و عوامل مؤثر بر آن، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه پیام نور
- شکوری، علی، رفعت جاه، مریم (۱۳۸۷). اینترنت و هویت اجتماعی، مجله جهانی رسانه، دوره ۵، صص ۱-۱۷.
- طباطبایی، تکتم السادات، طحان، محمد (۱۳۹۸). بررسی نقش اعتیاد به اینترنت بر کیفیت زندگی دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی قائنات، مجله دانشکده پزشکی زابل، دوره ۲، شماره ۲، صص ۷۸-۷۲.
- عبداللهی، شیده (۱۳۹۹). بررسی تأثیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر هویت ملی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات فرهنگی و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب.
- غیاثوند، الهام (۱۳۸۷). تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان محلات شهری، فصلنامه مهندس مشاور، شماره ۴۵
- فلاح، سهیلا (۱۳۹۸). بررسی رابطه کیفیت زندگی با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان دختر، مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، سال دوم، شماره ۱۶، صص ۸۴-۷۳.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ظهور جامعه شبکه‌ای، ترجمه افشین خاکباز و احد علیقلیان، انتشارات طرح نو.
- کرایب، یان (۱۴۰۱). نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس منخبر، تهران: نشر آگه.
- کردی، مزده (۱۳۹۴). تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی تلفن همراه بر هویت اجتماعی زنان ساکن شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت رسانه، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران غرب.
- گوزلی، غلامرضا، جعفری، علی (۱۳۹۸). تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی مددجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان اردبیل، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره شصت و دوم، صص ۱-۱۱
- مام شریفی، پیمان، اکبری بجندی، نگار، اسدی، نازنین (۱۳۹۹). تدوین مدل پیش بینی اعتیاد به اینترنت بر اساس کیفیت زندگی و رضایت از زندگی، نقش واسطه‌ای راهبردهای مقابله با استرس، مجله علوم روانشناختی، دوره نوزدهم، شماره ۸۹، صص ۵۵۱-۵۴۱.

- محمدی، جمال، خالق پناه، کمال، غلامی، الهه (۱۳۹۵). تجربه مصرف شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: شبکه اجتماعی بی‌تاک)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۹، شماره ۴، صص ۵۹-۸۸.
- مرادی، علی، جمشیدی، انسیه (۱۳۹۷). ارتباط شبکه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در بزرگسالان تهران، نشریه پایش پژوهش‌کنده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، سال هفدهم، شماره دوم، صص ۱۵۷-۱۴۷.
- مهدوی زاده، محمد (۱۳۹۶). نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، تهران: نشر همشهری.
- نائینیان، محمدرضا، ادب‌دوست، فاطمه، خطیبی، سمانه، قمیان، فاطمه (۱۳۹۵). استفاده از اینترنت و رابطه آن با سلامت روان و کیفیت زندگی در دانش‌آموزان مقطع دبیرستان، دو فصلنامه علمی و پژوهشی روانشناسی بالینی و شخصیت، دوره ۱۴، شماره ۲، پیاپی ۲۷، صص ۱۱۳-۱۰۳.
- نیازی، محسن، گودرزی، فرشاد، سخائی، ایوب (۱۴۰۲). فراتحلیل رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی در ایران، سال سوم، شماره یکم، ۱۴۳-۱۱۷.
- یزدخواستی، بهجت، عدلی پور، صمد، سپهری، آسیه (۱۳۹۲). تحلیل محتوای صفحات و گروه‌های شبکه اجتماعی فیسبوک با نظریه حوزه عمومی هابرماس، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۲، شماره ۱، صص ۸۷-۱۱۰.
- یعقوبی، فاطمه (۱۳۹۸). بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در گرایش دختران به مد و خودآرایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان.

- Orszulak, N., Kubiak, K., Kowal, A., Czaplá, M., & Uchmanowicz, I. (۲۰۲۲). Nurses' quality of life and healthy behaviors. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, ۱۹(۱۹), ۱۲۹۲۷.
- Caron, V., Jeanneret, N., Giroux, M., Guerrero, L., Ouimet, M., Forgeot d'Arc, B., ... & Courcy, I. (۲۰۲۲). Sociocultural context and autistics' quality of life: A comparison between Québec and France. *Autism*, ۲۶(۴), ۹۰۰-۹۱۳.
- Murgaš, F., Petrovič, F., & Tirpáková, A. (۲۰۲۲). Social capital as a predictor of quality of life: the Czech experience. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, ۱۹(۱۰), ۶۱۸۵.
- Hamasaki, Y., Yamaguchi, T., Takahashi, Y., Hashimoto, J., Muramatsu, M., Kawamura, T., ... & Tazaki, M. (۲۰۱۸). Change in the quality of life of caregivers of pediatric department patients undergoing kidney transplantation: a single-center prospective study. *Clinical and Experimental Nephrology*, ۲۲, ۱۱۹۸-۱۲۰۴.
- Verdugo, M. Á., Schalock, R. L., & Gómez, L. E. (۲۰۲۴). The quality of life supports model as a major component in applying the quality of life paradigm. *Journal of Policy and Practice in Intellectual Disabilities*, ۲۱(۱), e۱۲۴۶۸.
- Cummins, R. A. (۲۰۲۰). Quality of life of adults with an intellectual disability. *Current Developmental Disorders Reports*, ۷, ۱۸۲-۱۸۷.
- Lombardi, M., Vandenbussche, H., Claes, C., Schalock, R. L., De Maeyer, J., & Vandavelde, S. (۲۰۱۹). The concept of quality of life as framework for implementing the UNCRPD. *Journal of Policy and Practice in Intellectual Disabilities*, ۱۶, ۱۸۰-۱۹۰.
- Netuveli, G., & Blane, D. (۲۰۰۸). Quality of life in older ages. *British medical bulletin*, ۸۴(۱), ۱۱۳-۱۲۶.